



پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۳

وطن‌امروز | شماره ۴۱۴۴

سیاسی

عملیات قدرتمند و موفق «**وعده صادق ۲**» حتما مهم‌ترین نقطه عطف از نقطه نظر ایرانی به نبرد ترکیبی محور مقاومت – اسرائیل است. اگر چه این عملیات انتقام

۱- منطقه چه تصویری دارد؟
شاید راساترین جمله برای به تصویر کشیدن منطقه خاورمیانه تمثیل منطقه به مثابه «**ودیز**» باشد. نقشی که زودپز بازی می‌کند این است که فشار را به صورت متراکمی جمع می‌کند تا در نتیجه تسریع انجام شود. زودپز یک سوپاپ دارد که به سوپاپ اطمینان شبیه است، برای مواقعی که امکان انفجار به سبب افزایش چگالی فشار وجود دارد. آن‌وقت این سوپاپ شروع به فعالیت می‌کند. خاورمیانه درست مانند همان زودپزی است که برای تسریع در نتایج با تراکم فشار نیروهای متعدد مواجه است. البته همیشه در منطقه یک سوپاپ گریز از جنگ وجود داشته مثل نیروهای غیرمرکز یا بازیگران منطقه‌ای حائل یا بازیگران برون‌منطقه‌ای و بین‌المللی که نقش موازنه‌سازی را بازی کرده‌اند. برای مثال در ماجرای تنش بین ایران و عربستان، چین چنین نقشی را بازی کرد و بیستون یا سوپاپ را باز کرد تا تراکم تنش کم شده و تشدید تنش کنترل شود. اما به نظر می‌رسد در روزهای کنونی خاورمیانه سقف مورد انتظار برای تنش را پشت سر گذاشته است، هیچ نیروی گریز از مرکزی تلاشی برای ایجاد فضای جدید یا خروج از وضعیت تراکم نیروها ندارد، اندازه فشار جمع‌شده در منطقه بسیار بالاست و اتمسفر کلی به سمت تشدید غیرقابل کنترل تنش پیش می‌رود.
۲- آیا نیروهای اصلی فشار در منطقه هنوز باقی هستند؟

اما این نیروهای فشار در منطقه خاورمیانه کدامند و در چه وضعیتی قرار دارند؟ به صورت میدانی ۲ نیروی اصلی فشار در منطقه در ۲ جبهه متراکم شده‌اند؛ نخست نیروی مقاومت با بازیگری حماس، حزب‌الله، یمن و عراق (منظور مقاومت عراق است) و دوم نیروی اسرائیل. در یک سطح کلان‌تر نیروهای فشار

شهیدان اسماعیل هنیه، سیدحسن نصرالله و شهید نیلفروشان، چند روز پس از شهادت «سیدالشهدای مقاومت» انجام شد اما می‌تواند بسیاری از معادلات در منطقه خاورمیانه را تغییر دهد. اگر شهادت سیدحسن نصرالله شتاب تحولات در منطقه خاورمیانه را فزونی بخشید و نظم طبیعی بعد از جنگ ۲۳ روزه را به هم ریخت، عملیات «**وعده صادق ۲**» می‌تواند تشدید تنش‌ها را کنترل کرده و نظم را

دیگری هم در این وضعیت مشارکت دارند که ایران و آمریکا مهم‌ترین آنها هستند.البته منطقه از حضور نیروهای بین‌المللی و منطقه‌ای دیگر (البته با میزان نقش کمتری) هم بی‌بهره نیست. حالا با عملیات «**وعده صادق ۲**»، بازیگردانی ایران در سطح منطقه مشهودتر است. ایران ثابت کرده مهم‌ترین نیروی تأثیرگذار برای بازداشتن اسرائیل از خوابی است که برای منطقه خاورمیانه دیده است. اگر اراده و توانایی کافی ایران وجود نداشت، چه بسا اینک چیزی از ملل عربی – اسلامی منطقه هم وجود نداشت.
۳- آیا وضعیت ترکیب نیروها و الگوی موازنه منطقه‌ای مستقر است؟

آنچه در مرحله دوم عملیات ایرانی «**وعده‌صادق**» اتفاق افتاد و آنچه امروز در منطقه خاورمیانه در جریان است، اتکا به توانمندی‌های داخلی و درون‌منطقه‌ای برای مهار آتش توسعه‌طلبی‌هایی است که ماشین جنگی آمریکا در منطقه (اسرائیل) به راه انداخته است. اگر چه دامنه نبرد را باید از ابتدا مرور کرد، منطقه از ابتدای توفان الاقصی هم درگیر جنگ ترکیبی نیروهای درون‌منطقه‌ای و نیروهای بین‌المللی بوده است که یک نبرد ترکیبی را شکل داده است و با دقت به وضعیت تنش، به نظر می‌رسد در این ترکیب، یک تقسیم کار شکل گرفته است. وظیفه جنگ‌نظمی برعهده نیروهای میدانی و وظیفه فشار برعهده نیروهای سطح کلان‌تر است. بویژه بعد از عملیات توفان الاقصی موازنه بین این نیروها نیز ثابت نبوده، برتری میدان نیز در همین وضعیت بوده و ثباتی نداشته است. بویژه بعد از عملیات پیرجها موازنه به نفع اسرائیل در جریان بود. نبرد ترکیبی به همین سبب است که در این ساعات یا روزهای آینده باید منتظر تغییر شرایط

نگاهی به وضعیت میدانی غرب آسیا پس از عملیات «**وعده صادق ۲**»

نه جنگ فراگیر، نه صلح

تا اندازه زیادی به حالت موازنه باز گرداند. شهادت نصرالله وضعیت را به نقطه جوش نزدیک کرد و خاورمیانه را وارد دوره انتخاب‌های دشوار رهبران سیاسی کرده بود، در این حال عملیات موفق شامگاه سه‌شنبه ایران وضعیت را متعادل کرد. اگر چه وضعیت در منطقه هنوز هم آشفته است و تا حدی پیش رفته که «جنگ» یا «شروع جنگ» تبدیل به ترجیح‌بند رسانه‌ها شده است اما آیا منطقه به «لحظه جنگ» نزدیک شده

موازنه بود. حال بعد از عملیات «**وعده صادق ۲**»، موازنه به نفع ایران در جریان است و اسرائیل و همیمانان غربی‌اش نیز خوبی می‌دانند این فقط بخشی از ظرفیت درونی ایران برای دفاع از تمامیت ارضی‌اش بود.

۴-

آیا نبرد کماکان ترکیبی است؟

بعد از عملیات سه‌شنبه شب این سوال به وجود می‌آید: آیا نبرد در ادامه نیز ترکیبی خواهد بود؟ در پاسخ باید یادآوری کرد وضعیت ترکیب نیروها به قوت خود باقی خواهد بود. علاوه بر ترکیب نیروها، صحنه منازعه از وضعیتی از نبرد ترکیبی نیز بی‌بهره نیست. همین موضوع سبب پیچیدگی و سردرگمی در میدان شده است. اسرائیل در غزه و جنوب لبنان درگیر نبرد موشکی، زمینی و هوایی است، در سوریه و عراق درگیر نبرد هوایی و در یمن درگیر یک نبرد دریایی و موشکی است. البته ایران به عنوان مهم‌ترین بازیگر این منازعه توان تغییر مناسبات کلی را داشته است؛ همان‌طور که بعد از شهادت آیت‌الله شهید سیدحسن نصرالله و کاهش اعتماد به نفس محور مقاومت، ایران توانست با عملیات «**وعده صادق ۲**» وضعیت را کنترل کرده و نبرد را به سمت منافع محور مقاومت سوق دهد. در ادامه نیز در

یک تقسیم کار حساب‌شده، از مسیر لبنان و غزه فشار ژئوپلیتیک، از مسیر سوریه و عراق فشار استراتژیک و از مسیر یمن و دریای سرخ فشار تجاری – اقتصادی به صحنه نبرد وارد می‌شود. علاوه بر این منطقه درگیر یک نبرد اطلاعاتی – امنیتی نیز شده است و دست بر فضا این منازعه پیچیدگی نبرد امنیتی را به رخ کشیده است. آنچه مشخص است اینکه بعد از «**وعده صادق ۲**» مشخص است حملات نتایج‌و شبیه به اینکه اسرائیل به هر جایی در ایران

اقدامی «در دفاع از اتباع و منافع ایران» و در حمایت از ارزش‌هایی که برای بیش از ۴۰ سال جمهوری اسلامی ایران را در جهان اسلام و در محیط بین‌الملل به نام آنها می‌شناسند؛ ارزش‌هایی که ذیل نام «مقاومت» تعریف می‌شوند. اقدام مؤثر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در عملیات «**وعده صادق ۲**» به مجموعه‌ای از گمانه‌زنی‌ها و گفت‌وگوهای داخلی و خارجی در باره راهکار صحیحی که دولت را بانام «**وعده صادق ۲**» علیه مواضع نظامی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس اجرا کرد؛ اقدامی «در دفاع از اتباع و منافع ایران» و در حمایت از ارزش‌هایی که برای بیش از ۴۰ سال جمهوری اسلامی ایران را در جهان اسلام و در محیط بین‌الملل به نام آنها می‌شناسند؛ ارزش‌هایی که ذیل نام «مقاومت» تعریف می‌شوند. اقدام مؤثر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در عملیات «**وعده صادق ۲**» به مجموعه‌ای از گمانه‌زنی‌ها و گفت‌وگوهای داخلی و خارجی در باره راهکار صحیحی که دولت

حمید ملکزاده پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی

شامگاه روز سه‌شنبه، یازدهم مهر سال ۱۴۰۳ مجموعه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، بعد از یک دوره قابل توجه از «خویشتن‌داری» در مقابل اقدامات ترور‌یستی از تش رژیم صهیونیستی علیه ایران و مجموعه جغرافیایی مقاومت،

میدان و شکل‌گیری ایده ملت

در یک معنای نظری خاص، ملت‌ها در طول زمان و در نتیجه یک‌چور هم‌زیستی تاریخی شکل می‌گیرند. آنچه در طول سال‌های متمادی از هرزیستی به شکل‌گیری ملت‌ها منتهی می‌شود، مجموعه‌ای از نهادها، رویدادها، غم‌ها و شادی‌های مشترک و به طور خلاصه خاطره‌هایی است که آنها را به یکدیگر پیوند زده و ضریاهنگ زندگی روزمره آنها به عنوان یک واحد انسانی را تعیین می‌کند. در میان همه صورت‌های مختلف از برهم‌کنش‌های انسانی، جنگ‌ها، دفاعی باشند یا تهاجمی، نقش مؤثری در شکل‌گیری خاطره مشترک و نهادهایی واحد برای سازمان دادن به عناصر هویتی یک مردم دارند. آنچه دفاع و حمله مشترک یک مردم و دیگر صورت‌های ممکن از با هم بودن را از اهمیتی اساسی در جریان تأسیس ملت برخوردار می‌کند، مجموعه‌ای از اقدامات و اعمالی است که همه اعضای یک مردم، در مسیر شکل‌گیری ملت به آنها دست می‌زنند. ملت‌ها در کنش واقعی در زندگی روزمره و نه در کتاب‌ها و

داستان‌ها زاییده می‌شوند. در واقع این ساخت عمل مشترک است که به شکل‌گیری ملت‌ها منتهی می‌شود؛ عمل کردن، در کنار هم و برای دست یافتن به هدفی مشترک. چه صحبت از برگزاری جشن‌های آیینی برای بزرگداشت امری مقدس در میان باشد، چه سوگواری عمومی در بزرگداشت ارزشی عام در پاسداشت چیزی که برای آحاد ملت گرمای بوده است و چه مشارکت در جنگ برای دفاع از حدود وجودشناختی ملت، منافع و ارزش‌هایی که آنها را از آن خود می‌دانند، باشد، در همه اینها ملت در نوعی عمل کردن، اقدام کردن و حرکت کردن به نام خود و در مقام یک هستی واحد است که شکل می‌گیرد. از این جهت میدان و عمل واقعی در میدان مبنای شکل‌گیری ملت است. چه این اقدام در حوزه مسائل داخلی، برای رفع چالش‌های مربوط به اداره امور مردم و بهزیستی آنها باشد، چه در حوزه مسائل خارجی و برای دفاع از تمامیت وجودشناختی آنها و در عرصه نبردهای نظامی دفاعی.

از این قرار ایده ملت محصول مجموعه‌ای از اقدامات در راستا و به نام واحدی است که هر کدام از اعضای ملت به آن تعلق دارند. در این روایت مفهوم تعلق اهمیت بنیادینی دارد. از این جهت که هم مبنای عمل‌کردن است و هم باید به عنوان محصول یا نتیجه عمل مشترک و واحد افراد در مقام پیکری متشکل از همه آنها در نظر گرفته شود. یعنی اگرچه در درجه اول افراد به خاطر احساس تعلقی که به هم دارند، به نامی واحد دست به عمل می‌زنند، لیکن در درجه دوم این اقدام مشترک به تقویت احساس تعلق و محکم‌تر کردن پیوند مشترک میان افراد ملت منتهی می‌شود. در این فرآیند که باید آن را به طور اصولی به عنوان فرآیندی سیاسی بفهمیم، مجموعه‌ای از نهادها، ارزش‌های پیوسته به آنها، فرآیندها و نام‌ها تأسیس می‌شوند که پایه‌های اصلی ملت و مبنای سیاسی مفهوم تعلق داشتن را ایجاد می‌کنند.این مجموعه چارچوب‌های اساسی چیزی را تشکیل می‌دهند که همه مردم، به طور عام دربار‌ه‌شان اتفاق نظر دارند. به یک معنای ساده‌تر

موشک‌ها برای چه به پرواز درمی آیند؛ درباره صلح، میدان و ایده وفاق ملی

جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات چند ماه اخیر رژیم اشغالگر قدس باید اتخاذ کند پایان داد. گفت‌وگوهایی که در سطح منطقه‌ای و در ساخت عمل دستاوردهای ایران در جغرافیای مقاومت و بیوستگی مادی و معنوی این جغرافیا و در داخل وحدت، یکپارچگی، امید و البته وفاق ایرانیان را به چالش کشیده بود. در این یادداشت تلاش می‌کنم اهمیت عملیات «**وعده صادق ۲**» را در سایه رابطه‌ای که میان میدان، صلح و مفهوم وفاق وجود دارد مورد بررسی قرار دهم.

میدان، صلح و مسأله وفاق

که با مسائل جاری در سیاست ایران امروز هم پیوسته است، مبنای وفاق ملی را برای اعضای یک ملت فراهم می‌کنند. در این معنا می‌توانیم بی‌آنکه بییمی از خطا داشته باشیم، ادعا کنیم این در میدان و در ساخت عمل است که وفاق شکل می‌گیرد. چه این عمل توسط نهادهای مسؤول در اداره امور ملت و برای تقویت بهزیستی اعضای آن به انجام رسیده باشد و چه توسط نهادهای نظامی و انتظامی آن و با هدف تثبیت مرزهای مادی و روانی وجودشناختی دولت. از این قرار می‌توانیم اینطور ادعا کنیم که وفاق نتیجه تأسیس ملت در جریان زندگی تاریخی آن و موضوعی پیوسته با تبحر سیاسی برای اداره امور داخلی کشور و شجاعت نظامی برای دفاع از حدود آن است. میدان عمل عرصه به وحدت رسیدن ملت و رایش وفاق درباره روندهای داخلی و دشمن خارجی است. در این معنا وفاق مساله‌ای است که از یک طرف به صلح و آرامش درونی ملت و از طرف دیگر به آرامش و صلح برای ملت در محیط خارجی دلالت می‌کند.

نقش آن را در شکل‌گیری وفاق ملی پیرامون ایران به عنوان خانه و جمهوری اسلامی ایران به عنوان محل سکنی‌گزیدن ایرانیان نادیده گرفت. «**وعده صادق ۲**» از ایسن جهت عرصه ظهور ششادی‌ها، نگرانی‌ها، امید و اعتمادبه‌نفس ملی در میان همه افرادی است که به جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌های تشکیل‌دهنده آن امید بسته و نسبت به آن احساس تعلق می‌کنند. از این جهت نباید از نظر دور داشت که موشک‌ها، در «**وعده صادق ۲**» برای صلح و ایجاد وفاق ملی به پرواز درآمندند؛ موضعی که انتظار می‌رود دستگاه تبلیغاتی دشمن صهیونیستی در روزهای آینده علیه آن دست به اقداماتی گسترده بزند.

سرزمین‌های اشغالی از خود نشان داده است. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران بخوبی نشان داده است که حتی در مواقع اضطراری، بازیگری مسؤول در محیط بین‌الملل است و اینطور فکر نمی‌کند که می‌شود به هزینه جان هزاران نفر از شهروندان غیرنظامی – ولو اینکه مباحثی درباره اینکه شهروندان یک دولت اشغالگر را می‌شود به عنوان اهداف مشروع نظامی در نظر گرفت یا نه هنوز در جریان است – دشمن خوار را از برنامه‌های جنایتکارانه خود منصرف کند.

«**وعده صادق ۲**» بی‌تردید نقشی اساسی در ایجاد احساس غرور ملی و دلپره مشترک برای سرنوشت ایران داشته است. این موضعی اساسی است که نباید

ایران، ضمن اقدام در چارچوب مفاد مربوط به جنگ یا اقدام نظامی منصفانه پیش‌بینی‌شده در منشور ملل متحد در جریان «**وعده صادق ۲**» به‌خوبی از خود نشان داده است. در این زمینه باید به این مسأله توجه کنید که به‌رغم اقدام وحشیانه رژیم صهیونیستی در هدف قرار دادن اهداف غیرنظامی با توجهات نظامی سست که علیه همه ارزش‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی است، جمهوری اسلامی ایران در اقدام خود بیشترین احتیاط ممکن را برای دور نگه‌داشتن مردم غیرنظامی در سرزمین‌های اشغالی، چه به طور مستقیم از طریق مورد اصابت قرار ندادن اماکن مسکونی و چه به طور غیرمستقیم با حمله نکردن به تأسیسات حیاتی مدنی در

اسلامی ایران به‌حساب آورد.

برای اینکه بیان روشن‌تری از گزاره دوم ارائه کرده

باشم این نکته اساسی را یادآوری می‌کنم که تنها دولت‌هایی می‌توانند به عنوان حاملان صلح عمل کنند که از پیش توان مادی و اراده سیاسی لازم را برای وارد شدن به جنگ به نفع ارزش‌هایی که صلح بر اساس آنها پایه‌ریزی شده است از خود نشان داده‌اند. همین‌طور این موضوع را متذکر می‌شوم که در محیط بین‌الملل اصولاً تنها دولت‌هایی مورد احترام قرار گرفته و در مناسبات سیاسی به حساب می‌آیند که از پیش اقدام مسؤولانه در جهت حفظ صلح برای همه ملت‌های جهان از خود نشان داده باشند. کاری که جمهوری اسلامی

اگر بحث مقدماتی ما درباره میدان، صلح و ایده وفاق را پذیرفته باشید، آنگاه تصدیق خواهید کرد که عملیات «**وعده صادق ۲**» را می‌توانیم از یک طرف به عنوان یکی از پایه‌های تثبیت ایده ملت در ایران معاصر و از طرف دیگر به عنوان یکی از پایه صلح و امنیت بین‌المللی برای دولت جمهوری اسلامی ایران و همه کسانی که به ارزش‌های تشکیل‌دهنده آن ایمان دارند در نظر بگیریم. از این جهت که «**وعده صادق ۲**» اقدامی بود که به نام و به اعتبار دولت، یعنی بیرونی‌ترین و مادی‌ترین صورت از ملتی که آن را تشکیل می‌دهد صورت پذیرفت و از طرف دیگر می‌شود آن را به عنوان یکی از پایه‌های صلح در محیط پیرامونی و عرصه بین‌المللی جمهوری